

سون کریسترسوان و ترجمه رباعیات خیام*

به تازگی ترجمه جدیدی از رباعیات عمر خیام به همت مترجمان ایرانی و سوئدی، اکبر گلرنگ و سون کریسترسوان در انتشارات برتار فورلاگ^۱ سوئد منتشر شده است. آنچه می‌خوانید گزارشی از شیوه ترجمه و مقایسه‌ای کوتاه بین آراء و افکار خیام، شاعر و فیلسوف ایرانی با کارل میکائیل بلمن، شاعر و فیلسوف سوئدی است.

علم به اسرار مرگ و زندگی و وقوف بر دانش فلسفه، رباعی‌های خیام را ابدی نموده است. در تمجید این ترجمه تومی اولوفسن^۲ می‌نویسد:

سون کریسترسوان با بازنگری و تصحیح مجدد ترجمه رباعیات خیام، آهنگ و فهم این اشعار را افزایش داده است.

سون کریسترسوان، قبل از ارسال آخرین ترجمه رباعیات عمر خیام - بزرگ‌ترین و یا حداقل محبوب‌ترین شاعر ایران - برای چاپ، موفق گردید که بار دیگر به تصحیح و قابل فهم نمودن بیشتر آنها اقدام کند. این ترجمه، نخستین بار در سال ۱۹۹۶ همراه با

ترجمه تحت‌اللفظی آن به زبان سوئدی، توسط اکبر گلرنگ سوئدی - که اصلیتی ایرانی دارد - انتشار یافته و در همان سال تمام نسخه‌های به چاپ رسیده به فروش رسید و نایاب گردید. درخواست علاقه‌مندان منجر به چاپ دوم این کتاب با تصحیحاتی نسبت به چاپ اول آن گردید. چاپ جدید از همه جهات، از جلد و رنگ و گرافیک گرفته، تا تغییر نام - که اینک رباعیات نامیده شده - و حتی پیشگفتار آن که توسط سوان مجدداً تصحیح شده، باعث توجه بیشتر خوانندگان گشته است.

اریک هرملین، استاد بزرگ ایران‌شناسی، اولین فردی است که بسیاری از کتاب‌های ادبی فارسی را به سوئدی برگردانده است. ترجمه رباعیات عمر خیام او در ۱۹۹۳ به چاپ رسید. ترجمه هرملین همراه با تفسیر نثر مانند اکبر گلرنگ، دستمایه‌هایی بودند که در ترجمه رباعیات مورد استفاده سوان قرار گرفتند.

به وجود آوردن موسیقی و وزن و قافیه در ترجمه رباعیات، به صورتی قابل فهم برای سوئدی‌ها، کار ترجمه را در حد خیلی بالاتر از معمول قرار داده و سوان با موفقیت در این امر احساس زندگی و فنا را به خواننده القاء نموده و ابدیتی به ترجمه سوئدی رباعیات داده است.

رباعیات که معنی آن چهار خطی می‌باشد، حاوی ۲۰۰ رباعی است. عمر خیام که در سال‌های ۱۰۰۰ میلادی می‌زیسته است، خدایی را که در شراب می‌زیسته، ستایش می‌کند، تشابهی که ما را کاملاً به یاد شاعر بزرگ سوئد، بلمن می‌اندازد. همان‌گونه که دلیل محکمی در این که بلمن تمام ۲۴ ساعت زندگی خود را وقف ستایش الهه شراب نموده باشد، وجود ندارد، در مورد خیام نیز هیچ‌گونه دلیل و مدرکی که او زندگی‌اش را وقف لذت بردن از شراب نموده باشد وجود ندارد. او علاوه بر شاعری، همانند بلمن که دولتمرد بوده است، به کار نجوم و ریاضی می‌پرداخت. نمونه‌ای از ترجمه رباعی خیام توسط سوان ذکر می‌گردد.

Fly Vetenskapens tunga apparat,
Följ Vännens lockar, inte doktorsn Part.
Och, innan Himlen tappat
allt ditt blod,
gjut ivrigt Vinets blod: dina fat.

موسیقی و وزن خاصی که در این ترجمه به کار برده شده و اثر خاصی که بر ذهن

خواننده به جای می‌گذارد، به راحتی در ترجمه این رباعی مشاهده می‌شود. کسانی که ده سال پیش نسخه‌ای از چاپ اول این کتاب را خریداری کرده‌اند، به جا خواهد بود که این نسخه کاملاً متفاوت را نیز خریداری کنند. اکبر گلرنگ در صحبتی اظهار نمود که این یقیناً بهترین و آخرین تلاش او در ترجمه رباعیات خواهد بود و یقیناً کتابی است که خوانندگان زیادی را برای مطالعه جلب خواهد کرد، حتی کسانی که با عمر خیام آشنا نیستند، ولی دوستدار می و یار و باغ هستند، این کتاب را نادیده نخواهند گذاشت.

مختصری درباره بلمن و شیوه شاعری او

ظهور کارل میکائیل بلمن^۳ (۱۷۹۵-۱۷۴۰) و آثار او در قرن هفدهم، برای محققین امروز حالت معجزه ناگهانی را در تاریخ ادبیات این قرن دارد. با توجه دقیق‌تر به آثار او، به خصوص نغمه‌های بلمن^۴ و رساله‌های او که نمایانگر دنیا و زبانی کاملاً متفاوت در محیط و فرهنگ قرن ۱۷ می‌باشد، می‌توان به علت این اعتقاد پی برد. بررسی دلایل این امر کار مشکلی نیست و فقط بررسی رسوم و قوانینی که وی پشت سر نهاد و آنچه که برای نویسندگان و شعرای بعدی به جای گذارد، این موضوع را برای ما روشن می‌کند.

در طول قرن شانزدهم بیشتر شعرا و نغمه سرایان به نغمه‌های شعرای کهن یونان و روم مانند: آناکریون و هوراتیوس و مدیحه‌های آنها مانند: الهه‌های شراب، عشق، دیونیسوس، باکوس، آفرودیت و ونوس علاقه نشان می‌دادند. استفاده نویسندگان و شعرا از این موضوع‌ها که با اشعار حماسی، ترانه‌های رقص، سرودهای میخانه‌ای و اشعار درباری و اشرافی توأم گردیده بود، طبیعتاً متفاوت با شکل‌های مرسوم و متداول شاعران دیگر و محیط زندگی عامیانه آن زمان درمی‌آمد.

این نوع شکل بیانی و استفاده از داستان‌های کلاسیک اساطیری، توسط بیشتر شعرای قرن شانزدهم و هفدهم، در اشعاری که برای دربارها و یا مجالس اشرافی می‌سرودند، به کار گرفته شده است؛ ولی این اشعار به عنوان ادبیات تلقی نگردیده و به چاپ نمی‌رسید. رواج این ترانه‌های میخانه‌ای و درباری به صورت دهان به دهان و یا به صورت اوراقی جدا از هم صورت می‌پذیرفت. مطالعه این سروده‌ها ما را به شناخت محیط ادبی و اجتماعی عصر بلمن و زیربنای سروده‌های او قادر می‌سازد. این

سروده‌ها مانند درختی با تنوع گل‌های مختلف از نسل ادبی مادون قرن، با تزئینات شخصی هر شاعر و نویسنده به چشم می‌خورد. این اشعار دست‌نوشته که متأسفانه به علت عدم قبول به صورت ادبیات کلاسیک پایگاه خود را نیافته و اکثراً از میان رفته‌اند، تنها مراجع مطالعه این دگرگونی ادبی قرن هفدهم می‌باشد. تعداد زیادی از اشعار بلمن مخصوصاً آن متونی را که در جوانی به نظم درآورده است، از جمله آثاری که از میان رفته بوده و آنچه که امروزه به دست ما رسیده، آن قطعاتی است که نجبا و اشراف برای استفاده در مجالس بزم خود نگاهداری نموده‌اند. متن این اشعار معمولاً نشان‌دهنده محیطی اجتماعی است. بخشی از این قطعات برای سرگرمی دوستان به نظم درآمده و برخی دیگر برای استفاده در محافل مختلف و تئاترها تحریر گردیده، علاوه بر این قطعات خصوصی، شعرهایی نیز برای میخانه‌های سرشناس و معروف سروده شده است. در همین زمان اشعار مکالمه‌ای^۵ به صورت دو نفره که از پاریس به این کشور سرایت نموده و به نام اپرا کمیک^۶ شناخته می‌شده نیز در تئاترها به اجرا در می‌آمده است.

در قرن هفدهم این فرم‌های مختلف شعری - نمایشی ارتباط نزدیکی با یکدیگر پیدا نمودند. در این زمان معمولاً قطعه شعری به صورت ترانه‌های عامیانه مورد قبول قرار می‌گرفت و شهرت پیدا می‌نمود و با این شهرت در سالن‌های اجتماعی برای سرگرمی تکرار گردیده و با اضافه گردیدن چند شعر در میخانه‌ها و انجمن‌های ادبی و از آنجا به محافل اشرافی راه پیدا می‌نمود. این نوع چرخش ادبی باعث می‌گردید که ادبیات عامیانه در تمام محافل ادبی دیگر و در میان طبقات بالاتر رسوخ نماید.

بلمن، زندگی‌نامه‌ای از خود می‌نویسد که در ۱۷۹۴ از زندان برای یکی از دوستان خود فرستاده است:

«آن طوری که مردم من را از نظر اخلاقی و جسمی می‌شناسند، مردی با بینشی بسیار سطحی بوده و نخواسته‌ام بدانم که خورشید چه مسیری را طی نموده و کره زمین بر چه محوری گردان است. ذاتاً آدم بدجنسی نبوده و آدم‌های خوب را بی‌نهایت دوست داشته و به خانم‌ها احترام گذاشته و از کودکان حمایت می‌نمایم. چون اشتهای زیادی ندارم خیلی کم می‌خورم، یکشنبه‌ها کلم، پنجشنبه‌ها حبوبات و شنبه‌ها ماهی ساردین.»

اجداد پدری بلمن در قرن شانزدهم از آلمان به سوئد مهاجرت کرده و در شهر

استکهلم از کارگری ساده به افرادی دانشگاهی و صاحب شغل‌های مهم دولتی ارتقا یافته‌اند. پدر بزرگ او علاوه بر دارا بودن لقب موسیقی‌دان سرشناس شهر، پروفیسور فن بیان و شعر در زبان رومی نیز بود. پدر وی در کالج اداری و اداره کاخ‌ها خدمت نموده و سپس به کار و کالت پرداخته بود. مادرش که شدیداً مورد علاقه او بود، دختر یکی از روحانیون سرشناس بود که علاوه بر سرپرستی کلیسای ماریا، چندین بار به نمایندگی مجلس نیز انتخاب گردیده بود.

کارل میکائیل بلمن، بزرگ‌ترین فرزند این خانواده، در ۱۷۴۰ چشم به جهان گشود و در جنوب سوئد، تحت نظارت معلمی خصوصی که از اوان کودکی، چندین زبان و



فن شعر سرایی را به او آموخته بود رشد نمود.

نوشته‌های اولیه بلمن ادبیاتی اخلاقی و مذهبی و بیشتر ترجمه از زبان‌های دیگر بوده‌اند. او با این نوشته‌ها می‌خواست کاری دولتی، نظیر پدر و پدر بزرگش به دست آورد. مهم‌ترین این آثار که او در سن ۱۷ سالگی، در ۱۷۵۷ انتشار داد «تعلیماتی که پدری برای فرزندی باقی گذاشت» نوشته نویسنده فرانسوی، دوفورس^۷ و «افکار انجیلی مرگ» نوشته نویسنده آلمانی، فون شواینیتس^۸ می‌باشد. در همین سال وی شعری از خودش به نام «زجرهای مسیح» در لردا تیدنینگار^۹ به چاپ رسانید. تمامی این آثار نوشته‌هایی کسل‌کننده بودند. «یادداشت‌هایی در عهدشکنی دخترها» (۱۷۵۸) و «ماه» (۱۷۶۰) که وی در سال‌های بعدی به چاپ رسانید، پلی برای موفقیت‌های او گردید. وی بلافاصله به کار در بانک دولتی و عضویت در شورای آکادمی علوم دعوت

گردید.

در اوایل ۱۷۶۰ دگرگونی در وضع اجتماعی بلمن پیدا می‌شود. والدین او استکھلم را ترک و به روستاهای اطراف آن نقل مکان می‌کنند، بلمن نیز موقعیت اجتماعی خویش را نادیده گرفته و با گروهی از کارمندان خوش گذران دمساز می‌شود. با این معاشرت‌ها اداره زندگی از نظر مالی برای او دشوار و دشوارتر می‌گردد، به طوری که در ۱۷۶۳ چون نمی‌تواند اجاره محل سکونت خود را پردازد به نروژ فرار می‌کند. در بازگشت به سوئد مجبور می‌شود که از بانک دولتی استعفا دهد و به مردی تهیدست و بیکار تبدیل گردد. احتمالاً او در این دوره زندگی اش به شاعری روی آورده و شاعر میخانه‌ها شده است. از این تاریخ به بعد او به صورت نغمه‌سرای سفره‌های می و همدمی برای گردهمایی‌های بزمی، شهرت می‌یابد.

در این زمان اشعار او نیز تغییر شکل می‌یابند. این اشعار قالب راحت‌تری داشته و هماهنگی بیشتری با موسیقی و درام می‌یابند. این اشعار برای جشن‌های گوناگون و حتی وضعیت و طبقه هم‌بزمان دسته‌بندی شده‌اند و به صورت دیالوگ میان چند نفر و یا مونولوگ می‌باشند که شکل گفت و گویی آن توسط عده‌ای از هنرپیشگان اجرا می‌شده است. گفته می‌شود که بلمن در اجرای مونولوگ‌ها قدرت هنرنمایی بسیار زیادی داشته است. بلمن در مجموعه رساله‌های خود از این شکل استفاده می‌کند.

بحران اقتصادی که در نتیجه جنگ و انحطاط دستگاه بر کشور حکمفرما گردیده بود. وضع اقتصادی مردم را به شدت به هم ریخته و بیکاری همه گیر شده بود. برای ادامه حیات در این جامعه، نیاز به سه عامل بود: داشتن اعتبار خوب، کسب حامیان قدرتمند و روحیه‌ای شاد و خوب که بتواند در مقابل سوانح مقاومت ایجاد نماید. بلمن در این مورد می‌گوید:

از کجا می‌تواند یک منشی تهیدست

قوتی به کف آرد؟

من هم چون دیگران

فقط یک شکم دارم

که آن هم تهی بوده و از سرما هم در عذابم

پروکی خیس بر سر دارم

پالتوی سرخ‌م درخشان است

ولی شکم از گرسنگی به درد آمده است.

بلمن نیز مانند بقیه در مقابل این بحران شکنجه می‌دید. او پس از اخراج از بانک دولتی، توسط یکی از دوستانش در اداره مرکزی حزب کلاه‌شاپویی‌ها استخدام گردید، ولی یک سال بعد با به قدرت رسیدن حزب مخالف، این اداره منحل و بلمن نیز کار خود را از دست داد. کمی بعد بلمن شغلی در اداره کل گمرکات به دست آورد، ولی این کار نیز مدت زیادی دوام نیافت، در این مدت اکثر همکاران او به فلاکت افتاده، به می‌خوارگی روی آورده و از صحنه محو شده بودند. به یاد این دوستان، بلمن، انجمن نظام باکی (الهه شراب) را در ۱۷۶۶ بنیاد نهاد. در حقیقت این انجمن هجوی بود بر انجمن‌های نظام شوالیه‌ای و نجبا که بلمن و چند نفر دیگر از دوستان او رهبری این انجمن را به عهده داشتند. انجمن در روزهای معینی گرد هم گردیده و اعضای آن طی مراسمی نظیر راه‌پیمایی و سرودخوانی و می‌خوارگی جشن برپا می‌کردند.

نمونه‌ای دیگر از اشعار او در این باره در این جا ذکر می‌شود.

بیائید، برادران عزیزتر از جانم بیائید

که در این خجسته روز

همه با هم پیاله‌ای بنوشیم

چه کسی جامش را زودتر از همه تهی نموده است:

بنوشید ... بنوشید یک جام دیگر

پیش از آن که این روز به پایان برسد ...

پانوشت:

* ترجمه و ارسالی از نماینده فرهنگی ج.ا.ایران در سوئد که پس از بازنویسی به زبان معیار فارسی و ویراستاری چاپ گردید.

- 1- Berättar förlage
- 2- Tommy Olofsoon
- 3- Carl Michäel Bellman
- 4- Fredmans Sanger
- 5- duet
- 6- opera Comique
- 7- Dufours
- 8- von Schweinitz
- 9- Lärda tidningarfi